■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۸۸ ■ پنجشنبه ■ ۳ شهریور ۱۴۰۱

# ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۶ | اذان مغرب ۲۰/۰۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۵/۰۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۲

سخن روز

**امام رضا(ع)**
**هرکه در قبال خوبی مردم تشکر نکند، از خداوند عزوجل هم تشکر نکرده است.**
**عیون أخبار الرِّضا**

## در آرزوی رهبر دائم برای ارکستر سمفونیک تهران

**شاهین فرهت:** آرزوی من این است که ارکستر سمفونیک تهران دارای یک رهبر ارکستر دائمی باشد، بدین معنا که رهبر با قرارداد بتواند فعالیت و شرایط را مدیریت کند. این موضوع را برای اجرای آثارم مطرح نمی‌کنم بلکه باید زمینه و شرایط مناسب برای حضور و فعالیت آهنگسازان جوان و افرادی که بتوانند موسیقی فاخر و واقعی بنویسند، خلق و اجرا کنند، فراهم شود و شعور و دانش موسیقی واقعی ارتقا پیدا کند. برای فعالیت ارکستر سمفونیک تهران باید مانند تمام ارکسترهای دنیا برنامه سالانه ارائه شود، این بخشی از موضوع است و در کنار آن باید آموزش صحیح به هنرجویان و نوازندگان مورد توجه قرار بگیرد که اکنون در فرهنگستان هنر اقدامات و برنامه‌هایی برای آموزش در حوزه موسیقی در دستور کار است.

بخشی از یادداشت این آهنگساز در ایرنا

**پرواز فطرت ما، در دام بال می‌زد**
**آزاد کرد فضلش از هر قیود ما را**
**اعداد ما تهی کرد چندان که صفر گشتیم**
**از خویش کاست اما بر ما فزود ما را**

بیدل دهلوی

نـــگاره

رضا بدرالسما

جمهوری اسلامی ایران

## در فقدان آقای صدا

هنرمندان در فضای مجازی

**علیرضا داوودنژاد**

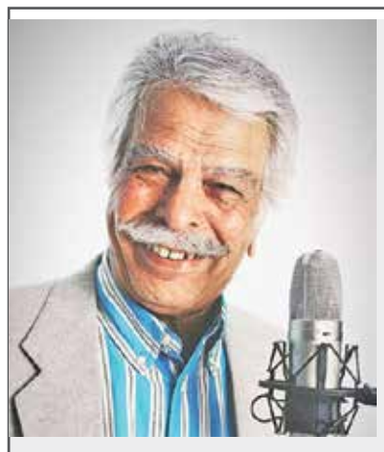

هنرمند سرشناس ایرانی در اینستاگرام خود در فقدان منوچهراسماعیلی نوشت: «او در خلق تیپ و شخصیت با صدا نبوغ داشت. او هنرمندی بزرگ بود که تاریخ سینما در ایران به او مدیون است چرا که به نقش‌های فراوانی در روی پرده -چه ایرانی و چه خارجی - روح می‌دمید و با هریک از آنها زندگی می‌کرد و با خلق صدا و لهجه و لحن مناسب، آنها را به موجوداتی زنده و دلنشین و محبوب تبدیل می‌کرد. بی‌تردید در دورانی که سینمای ایران در تنگنای سانسور و رقابت نابرابر با فیلم خارجی به نفس تنگی می‌افتاد؛ منوچهر اسماعیلی در گرمی و حیات بخشیدن به فیلم‌های ایرانی و مقاومت سینمای ایران در مقابل امواج بی در و پیکر فیلم‌های وارداتی تأثیری تعیین کننده داشت. چه بسیار فیلم‌های مهم که او به تنهایی به جای چند نقش مقابل هم به زیبایی سخن می‌گفت و آنها را باورپذیر و موفق به بازار سینما ارائه می‌داد. بی‌تردید او با نبوغی کم نظیر به همراه دیگر همکاران توانا و پیشکسوت خود از دوبله هنری ارزشمند و به یادماندنی ساختند. نامش گرامی و یادش ماندگار.» **رضا درمیشیان** کارگردان فیلم «مجبوریم» هم به همین مناسبت با انتشار متن کوتاهی در اینستاگرامش نوشت: منوچهر اسماعیلی و صدای هزار حنجره‌اش یک‌تنه تمام صدای تاریخ سینمای ایران است. صدایی از نسل طلایی اسطوره‌های دوبله ایران که ما را عاشق و دیوانه سینما کردند. منوچهر اسماعیلی «شخصیت» و «شرف» دوبله ایران است. هنرمندی که از رو نمی‌خواند.

■ **چهره‌ها**

**هوتن شکیبا** بازیگر کردتبار ایرانی در اینستاگرام خود با انتشار ویدیویی از حسن زیرک خواننده نابغه کُرد چند سطری در معرفی این استاد برجسته نوشت.: «استاد «حسن زیرک» یک نابغه بود. فرد مدرسه نرفته‌ای که از او بیش از «هزار» ترانه و آواز به جا مانده است. او زاده ۸ آذر ۱۳۰۰ و درگذشته ۵ تیرماه ۱۳۵۱ در بوکان خواننده ترانه‌های کردی ایرانی بود. حسن زیرک با ضبط تعداد زیادی از آوازهای سنتی مردم کُرد، سبب حفظ و نگهداری این آثار فرهنگی از گزند فراموشی شد. حسن زیرک، با اینکه به هیچ عنوان سواد نداشت، اما اشعار اغلب آثارش را به‌صورت بداهه و در آن لحظه که می‌خواند، می‌سرود. زیرک، علاوه‌بر زبان کُردی سورانی لهجه بوکانی و هَورامی (اورامی)، به زبان‌های فارسی، ترکی آذربایجانی، ارمنی ولری نیز آواز اجرا کرده و دارای ۳ مقام ترکی، ۸ مقام فارسی، ۲ مقام هورامی و ۶۴ مقام کُردی سورانی است.»

**مهتاب کرامتی** بازیگر ایرانی که نماینده یونیسف در ایران هم هست متن و عکسی را منتشر کرد درباره بیماران ای.بی. او نوشت: «با حمایت مالی دولت سوئد، یونیسف از طرف جمهوری اسلامی ایران و بنا به درخواست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، پانسمان‌های مخصوص برای کودکان مبتلا به بیماری ای بی، یا بیماری پوستی پروانه‌ای را خریداری و وارد ایران کرد. اولین محموله پانسمان‌ها به وزن ۴/۴ تن حاوی بیش از ۶۰ هزار قطعه پانسمان برای توزیع میان خانواده‌های دارای فرزند مبتلا به بیماری ای. بی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تحویل داده شد. در سال ۲۰۲۰، یونیسف با کمک مالی دولت آلمان ۸/۵ تن پانسمان ویژه بیماران ای.بی را وارد ایران کرد.»

**یوسف حاتمی کیا** کارگردان ایرانی که بتازگی فیلمش «شب طلایی» وارد چرخه اکران شده در توضیحاتی درباره این فیلم ونحوه اکرانش نوشت: «شب طلایی» از هفته گذشته در سینماهای سراسر کشور به نمایش درآمده است. حسن معجونی، یکتا ناصر، مریم سعادت، سوگل خلیق، سینا رازانی، علی باقری، امیر محمدی، بابک بهشاد، ناصر هاشمی، بهادر مالکی، زهرا بهروزمنش، شکوفه هاشمیان، ناصر علی پاشا، نساء افرنگه، پانته آ کیقبادی، فرسیما دمیرچی، سارینا یوسفی، علیرضا ساوه‌درودی با هنرمندی: مسعود کرامتی، بهناز جعفری در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند. «شب طلایی» به موضوع روابط پیچیده درون یک خانواده می‌پردازد که در دوران کرونا با بحرانی جدی مواجه می‌شوند. فیلمیران پخش این فیلم را برعهده دارد.

■ **شنیدنی‌ها**

رادیو گوشه واحد صوتی نشر چشمه در اینستاگرامش خبر داد که صدونودمین کتاب شنیدنی‌شان «همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها» نوشته «رضا قاسمی» صدای «مانی حقیقی» در راه است. در توضیح این اثر نوشته شده: «کتاب «همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها»، برنده جایزه بهترین رمان اول سال ۱۳۸۰ بنیاد گلشیری، رمان تحسین شده سال ۱۳۸۰ جایزه مهرگان ادب، برنده بهترین رمان سال ۱۳۸۰ منتقدین مطبوعات و همچنین بهترین رمان یک دهه اخیر ایران، ماجرای گروهی از مهاجران ایرانی است، که در طبقه ششم ساختمانی در پاریس زندگی می‌کنند. داستان از دیدگاه اول شخص مفرد نقل می‌شود. راوی روشنفکری ایرانی است که پیش‌تر با موسیقی و نویسندگی سر و کار داشت و اکنون در کشور فرانسه، در تبعید به سر می‌برد؛ در طبقه ششم ساختمانی قدیمی در پاریس، در زیر شیروانی. روزها می‌خوابد و شب‌ها به نقاشی مشغول است. پرتره آدم‌ها را به تصویر درمی‌آورد تا بتواند آنها را بهتر بشناسد. «من هرچه را نمی‌فهمیدم باید نقاشی می‌کردم تا بفهمم». در همین طبقه چند ایرانی دیگر نیز زندگی می‌کنند. همه مثل هم در نابسامانی روزگار می‌گذرانند. رمان همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها رمانی متفاوت، با زبان نمادین و رمزگونه به گونه‌ای فانتزی و سوررئال، هر قسمت آن در دنیای عجیبی رخ می‌دهد که در عین عجیب و رؤیایی بودن، مرز اتصالش به واقعیت بسیار قوی است به گونه‌ای که ذهن شما همواره درگیر این است تا با نگرشی رئال به داستان بپردازد و تحلیلش کند.»

مروری بر ضرورت به‌گزینی کتاب در چرخه نشر

# آفتاب آمد دلیل آفتاب

یادداشت

ارمغان بهداروند
شاعر و پژوهشگر ادبی

«کتاب» را نمی‌توان از دقیقه‌ها و دغدغه‌های زیستی خط زد؛ همچنان که در همه سال‌های روشن و تاریک اقتصاد، شاید شماره کتاب کم شده باشد اما به هر مصیبت این خون کاغذی در رگارگ جمعیت مشتاقش دویده است و نگذاشته است این آتش از پا بیفتد. مردمی که از «کتاب» سیرابند کمتر گرسنه سر به بالین می‌گذارند و نالان از غم «نان» به خواب می‌روند.

هر چقدر هم که بر طبل تنهایی کتاب کوبیده می‌شود، واقعیت تولید کتاب و تولد اثر، قابل کتمان نیست و به مصداق مثلِ «آفتاب آمد دلیل آفتاب»؛ روشن‌تر از اقبال و استقبال از برخی آثار ایرانی و خارجی و تجدید چاپ‌ها نمی‌توان دلیلی دست و پا کرد. این ادعا نمی‌تواند منکر مصایب دیگر و اولویت‌بخشی‌های جامعه به ضروریات زیستی و مهمات حیاتی باشد اما منِ مخاطب با خودم فکر می‌کنم با به‌گزینی و ارزیابی‌های کیفی، می‌توان فرصت‌ها و هزینه‌های نبایدهای نشر را خرج بایدها کرد و عمری طولانی‌تر برای کتاب متصور شد. یک سوی این حکایت؛ به تردید نگریستن در نشرهایی است که بی‌هیچ دانش و تجربه‌ای و تنها به طمع اقتصادی در این میدان وارد شده‌اند و سوی دیگر آن؛ سهولت انتشار هر اثرِ از غربال عبور ناکرده‌ای است که هم به توهم مؤلف دامن می‌زند و هم به سوخت شدن کاغذهایی که به شرط از دست دادن درختی به دست آمده‌اند.

نادیده انگاشتن کتاب و در شمار اموات دانستن نسلِ کتابخوان، فرض مسمومی است که باید پاسخ داده شود و به سادگی از این قصور نباید گذشت. در این میدان، برد با کسی است که نسبت به کتاب معرفت داشته باشد و نه صرفاً با معیار حساب و کتاب که با معیار خوش‌احوالی جامعه و نذر آگاهی، مولد بهنگام‌ترین آثاری باشد که نخواندن آنها لااقل خسرانی برای انسان این روزگار محسوب شود. خوشبختانه از پس ایام عُسرت و عُزلت ناشران آگاه، نسلی جریان‌ساز از نشر به میدان آمده است که هم به ساعت مردم روزگار خویش کوک شده‌اند و هم با دانش تولید سرمایه فرهنگی، کاسه چه‌کنم چه‌کنم‌های اقتصادی در دست ندارند. بهره‌مندی از نظام نوین تولید کتاب، برخورداری از حرفه‌ای‌ترین هنرمندان طراحی، ویرایش و تولید کتاب و در نهایت آگاهی از بسترهای روزآمد تبلیغاتی و شیوه‌های توزیع کتاب مهم‌ترین شاخصه‌های این نسل محسوب می‌شود. همچنان که حمایت از اثر خوب تکلیف دولت و نشر منزه وظیفه ناشر است؛ ستایش بنگاه‌های تولید کتاب که در یک بازی برد-برد، هم به خویش و هم به دیگران خدمت می‌کنند بر ذمه مخاطبان و مؤلفان است.

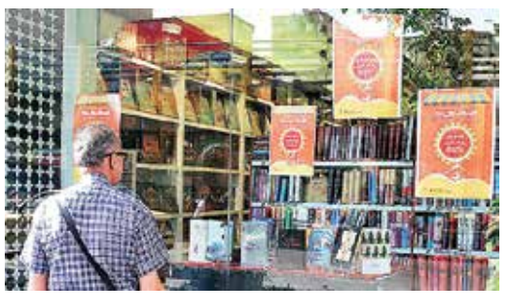

## انسان، دوست، آرامش

هنر و روان

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

نمی دانم کلمه دوست و رفاقت از چه زمان و دوران و مکانی وارد جملات و کلام همه مردم جهان جاری شده است، اما می‌دانم و می‌دانیم که کلمه دوستی که به‌دنبال آن فرایند دوستی روان است، از یک حس بسیار عمیق بین دو یا چند نفر نشأت گرفته است و در پی این حس عمیق، روابطی بسیار زیبا و معاشرت‌های مداوم شکل می‌گیرد که در آنها تجربیات فراموش نشدنی و خاطراتی ساخته می‌شود که برای هر فرد حس و حال متفاوت را یادآور می‌شود.

فرایند دوستی که ساختار اصلی آن را دو یا چند نفر به‌عنوان دوست تشکیل می‌دهند از یک مکان یا فضای مشترک مانند مدرسه، محل کار، دانشگاه، مکان‌های ورزشی، فرهنگی و غیره آغاز می‌شود. گاهی نیز سر آغاز فرایند دوستی یک تفاوت سلیقه آشکار یا ناسازگاری با یکدیگر باشد که در طول زمان به‌دلیل مباحثه و جدل‌های بسیار که با یکدیگر انجام می‌دهند به نقاط مشترک (همدیگر) می رسند و همین موضوع باعث ایجاد دوستی در بین آنها می‌شود و گاهی هم این اتفاق نمی‌افتد و کلمه مقابل دوستی، یعنی دشمنی یا حتی بی‌تفاوتی نسبت به هم را به وجود می آورد، اما هر چه که هست دوستی و فرایند آن دارای حس و حالی است که تمام انسان‌های دنیا به آن نیاز دارند؛ از منظر تعریف فلاسفه انسان حیوانی ناطق است که قدرت تفکر و تعقل دارد از منظر جامعه شناسی همین انسان دارای تفکر دارای جنبه شخصیتی جمعی و اجتماعی است. همین امر ثابت می‌کند که انسان ها در طول زندگی خود نیازمند داشتن دوست و روابط دوستانه با دیگران هستند. انسان بدون معاشرت‌های دوستانه انسانی خموده و درخود است که خیلی از مهارت‌های فردی و اجتماعی را آموزش ندیده و نمی‌بینند. در فرایند دوستی است که افراد به بسیاری از خلاقیت‌ها در زندگی و پیشرفت شغلی، مهارت‌های زندگی، ارتباط با یکدیگر و غیره دست می‌یابند.

اگر فرد را به‌صورت نقطه‌ای در مرکز یک دایره و دور تا دور او را دایره‌های مختلف فرض کنیم ، نمادی از حلقه‌های آن فرد ودوستان اوست ؛ هر فرد یا افرادی که در دوران زندگی با او برخورد کرده‌اند و رابطه‌ای دوستانه برقرار شده به تناسب فاکتورهایی مانند نزدیکی به فضا و حس و حال روان فرد، علاقه مندی‌های مشترک، تفکرات مشترک، همفکر بودن در بسیاری از مواضع فرهنگی، اجتماعی ، سیاسی و مشترکات شغلی، منافع و مضرات مشترک و غیره دوستان فرد در دایره‌های دور یا نزدیک آن فرد قرار می‌گیرند. ارتباط با هر کدام از این افراد رفتارهای خاص آن جایگاه را می طلبد که در صورت رعایت شدن آن، فرد می‌تواند در موقعیت خود در تمام طول زندگی‌اش روابط مثبت و مفیدی را با تعداد بسیاری از انسان‌ها اگر دارد و دوستان بسیاری داشته باشد، این مدل و سبک از زندگی باعث ایجاد مهارت های زندگی بسیاری در فرد می‌شود که هر کدام زیرساختی برای ایجاد آرامش و نشاط درونی پایدار و زندگی آسان ترنیز می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که از قدیم برای دوست واقعی گفته شده «هرچه از دوست رسد نیکوست».

امیدواریم در این زمانه سخت که متأسفانه خودخواهی و رفتارهای فردگرایانه روبه افزایش است برقراری روابط دوستانه سالم و مفید و فارغ از دورویی و دروغ را هرچه بیشتر اشاعه دهیم تا بتوانیم آرامشی نسبی وارد زندگی مان کنیم ،زیرا تجربه نشان داده در مواقع سختی یا حتی شادی صحبت کردن با دوستی امین و مطمئن می‌تواند هیجان بیش از حد غم یا شادی را در ما کنترل کند و در نتیجه بتوانیم رفتاری مناسب با آن موقعیت از خود بروز دهیم.

## سینما ماهیت ندارد

بودها و نمودها

علیرضا نراقی
منتقد

پرسش از ماهیت سینما از ابتدای تاریخ آن تا به امروز پرسشی متداول بوده است. نظریه‌پردازان بنا به الزامات و تقیدات تاریخی یا رویکردهای ایدئولوژیک و تفکرات زیباشناسانه مختلف در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که «سینما چیست؟». از حرکت تا ثبت آن، پایداری دید تا رؤیاسازی، داستانگویی تا ثبت واقعیت و... سینما در تاریخ نظری خود، صاحب تعاریف مختلفی شده است. سخنانی ذوقی نیز چون آن سخن معروف گدار که «سینما یعنی نیکلاس ری» یا سخنی دیگر که مثلاً «سینما با کیارستمی به پایان می‌رسد» یا سخنانی که از زبان منتقدان - خاصه امروزه از نوع وطنی آن- زیاد می‌شنویم مثل «این فیلم سینما نیست» یا «فلانی اصلاً فیلمساز نیست» و... همه برآمده از باور پیدا کردن به یک تعریف خاص از این پدیده است. گاه این تعاریف چنان ایدئولوژیک و ثابت می شوند که پذیرش تجربه متفاوت و رادیکال در سینما طرد و نفی می‌شود، البته نظریه‌پردازی در هر امری با میزانی از توافق و تحدید مفاهیم همراه است، اما در کل با ماهیت‌پژوهی یا ماهیت‌سازی تفاوت دارد. نظریه‌پردازی نوعی ایده‌پردازی و صورتبندی معقول و خلاق چیزهاست که ضرورت دارد و بینش‌زاست، آن‌طور که تری ایگلتون نظریه‌پرداز و منتقد ادبی بیان می‌کند، نظریه خود موجد تجربه‌های متفاوت و خروج از تکرار است، اما تعریف و ماهیت‌پژوهی امری دیگر است و مشکل اش اینجاست که می‌تواند حیات طبیعی یک پدیده را مانع شود. پدیده‌هایی مانند هنر و سینما به دشواری تن به تعریف می‌دهند، چرا که با تجربیات فردی تنیده شده‌اند و هر تعریف باعث می‌شود فردیت در آنها پس زده شود.

خروج کارگران از کارخانه

سینما فاقد ماهیت است و مفهومی گسترده دارد ،چرا که مصادیقی متفاوت و متکثر را شامل می‌شود؛ به همان اندازه که فیلم‌های اولیه تاریخ سینما مثل «خروج کارگران از کارخانه» در ۱۸۹۵ ساخته لوئیس لومیر یا «ورود قطار به ایستگاه» در ۱۸۹۶ ساخته ژرژ ملی‌یس سینما هستند، آثار پیچیده هیچکاک، لینچ و فون‌تریه و... با همه تفاوتی که با یکدیگر دارند نیز سینما محسوب می‌شوند. به همان اندازه که واقع‌بینی سینمای مستند سینماست، آثار کمترِ مربوطی به واقعیت، مثل فیلم‌های مارول نیز سینما هستند، پس برای چنین پدیده گسترده‌ای ماهیت و تعریف داشتن، فقط چشم‌پوشی از بخشی از مظاهر آن و تلاش برای تکرار یک جریان بخصوص است. به قول «ژاک دریدا»فیلسوف پست مدرن فرانسوی وقتی پدیده‌ای را تعریف می‌کنیم تمام امکان‌های اطلاق، ارتباط و نظریه‌پردازی آن پدیده را بجز یک مورد نفی می‌کنیم، پس تعریف به نوعی حذف امکان‌های متعدد وجودی یک چیز است. به همین دلیل هم فیلسوفان اگزیستانسیالیست معتقد بودند «وجود مقدم بر ماهیت است»، چرا که چیزها اول هستند و بعد بنا به تقیدات و دریافت‌های ذهن ما ماهیت پیدا می‌کنند.

درک بی‌تعریفی و فقدان ماهیت در سینما، آزاد گذاشتن ذهن گسترده و تخیل فعال انسان است،برای آنکه با دوربین و سوژه‌هایش تجربیات کشف نشده و نادیده را خلق کند. یک فیلمساز جوان با درک وسعت مصادیق سینما می‌تواند خود را در جغرافیایی وسیع‌تر پیدا کند و فردیت و اعتماد به خلاقیت خود را به تعاریف نفروشد.

## عقل، محور انتخاب دوست

آیین

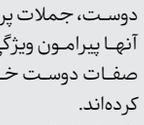

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

موضوع رفاقت و انتخاب دوست یکی از مسائل دوران جوانی است که در پایه‌گذاری شخصیت و ایجاد خلق وخوی خاص در انسان دارای نقش ویژه‌ای می‌باشد. بر این اساس انتخاب دوست از اهمیت بسزایی برخوردار است و انتخاب دوست خوب می‌تواند فرد را به راه فضیلت و کمال سوق دهد و او را به صفات حمیده متصف و موجبات سعادتش را برای همه عمر فراهم نماید. همچنان‌که انتخاب دوست و رفیق بد می‌تواند جوان را که تأثیرپذیر است به مسیر ناپاکی و گناه کشانده، آلوده دامن، بدنام و موجب تیره‌روزی وی در تمام زندگی شود. از این‌رو جوانان اگر خواستار سعادت و کامیابی‌اند باید در انتخاب دوست، جانب عقل و مصلحت را نگه داشته و از احساسات هیجانی و عاطفی پیروی نکنند و در این راه از تجربه افراد با تجربه و خردمند بهره‌مند شوند. آری خوب است جوانان با احتیاط، حتی پس از مشورت با اولیا و افراد با تجربه از میان همسالان خود فرد یا افرادی را به دوستی برگزینند. چرا که واقع‌بینی افراد خردمند و با تجربه در تأمین سعادت فرد جوان نقش مؤثری دارد. امیرالمؤمنین علی(ع) در این ارتباط می‌فرماید: «در نظر من رأی صائب پیر سالخورده محبوب‌تر از نیروی قوی جوان بی‌تجربه است.» این است که اولیا و بزرگان دین به منظور راهنمایی آحاد مسلمانان در اهمیت انتخاب دوست، جملات پربارى از خود به یادگار گذاشته و ضمن آنها پیرامون ویژگی‌ها و آفات دوست بد و ملکات و صفات دوست خوب نکات ارجمندی را خاطرنشان کرده‌اند.

یکی از شرایط و محورهای انتخاب دوست که در روایات مورد توجه ویژه قرار دارد، جایگاه عقل در این انتخاب است. بر این اساس امامان معصوم(ع) با مخاطب قرار دادن افراد، بویژه جوانان، توصیه اکید فرموده‌اند که از افراد احمق دوری گزیده و با افراد عاقل دوستی کنند. زیرا طرح دوستی با افراد احمق مایه رنج و ناراحتی بوده و بهتر است احمق را به عنوان مصاحب و رفیق برنگزینند. چرا که احمق هم برای خود و هم برای دوستانش زیان و شرمساری به وجود می‌آورد. امیرالمؤمنین علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «کسی که احمقی را برای دوستی برگزیند، همواره در رنج و ناراحتی خواهد بود.» امام صادق(ع) هم در همین رابطه فرموده است: «کسی که از رفاقت و همنشینی با احمق پرهیز نکند، تحت تأثیر کارهای احمقانه او واقع شده و از اخلاق ناپسند وی متأثر می‌شود.» به عبارتی دیگر انسان کنار رفیق بد مستعد بد شدن است و گریزی از آن نیست. امام سجاد(ع) هم در این رابطه گفته‌ای دارد که در آن نکته‌ای بس عمیق نهفته است. آن حضرت می‌فرماید: «از رفاقت با احمق پرهیز کن، چرا که او هرگاه اراده کند تا قدمی را به نفع تو بردارد، به دلیل نافهمی و حماقت آن قدم به ضرر و زیان تو خواهد بود.»

همان‌طور که نادانی و کوته فکری دارای مراتب و درجاتی بوده و هرچقدردوست نادان‌تر، دوستی‌اش زیان‌بارتر، به همان قیاس، هرچه دوست عاقل‌تر، به همان میزان، دوستی‌اش با ارزش‌تر است. از امام صادق(ع) گفته حکمت آمیزی به ما رسیده که می‌فرماید: «دوستان صمیمی که همانند برادر به آدمی وابسته و نزدیک هستند سه دسته هستند؛ اول کسانی که به مثابه یک ضرورت زندگی در همه حالات به وی نیاز است، که او دوست عاقل است. دوم کسی که به منزله یک بیماری مزمن رنج آوراست و آن رفیق بد است. اما سوم دوست و رفیقی است که وجودش به منزله داروی شفابخش مایه سلامت و تسکین جسم و جان است، او دوست لبیب و بسیار عاقل است.»

برخی افراد به قدری عاقل، خردمند و مآل اندیشند که تعبیر عاقل برای معرفی آنان نارساست. از این رو امام صادق(ع) از دوستی این دسته افراد با عنوان شایسته و برتر لبیب یاد می‌نماید. کسی که رفیق لبیب دارد از نعمت بزرگی در زندگی برخوردار است که باید قدرشناس آن گوهر گرانبها باشد و از وجود چنین دوستی پر ارج و لایق به شایستگی استفاده کند.رفیق لبیب داروی دردهای زندگی و مشکلات اجتماعی است و می تواند در مواقع حساس و در بزنگاه‌های خطرساز دوستش را حمایت و با تاباندن چراغ عقل پیش رویش او را از سقوط و بدبختی برهاند. بنابراین از منظر اسلام عقل در انتخاب دوست از جایگاه محوری برخوردار بوده و اهمیت ویژه‌ای دارد. تا آنجا که امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «مانعی نیست که در انتخاب دوست کسی را برگزینید که عاقل و خردمند باشد ولو دارای طبع بلند و کرامت اخلاقی نباشد. زیرا در هر حال از درایت و عقل او نفعی به تو خواهد رسید.»

عکس نوشت

ایرنا

**پیکر زنده یاد منوچهر اسماعیلی چهره سرشناس عرصه گویندگی و معروف به مرد هزارصدای دوبله در سکوت بدرقه شد. در این مراسم که چهارشنبه دوم شهریور ماه در بهشت سکینه کرج برگزار شد جمعی از هنرمندان، دوبلورها و گویندگان فیلم از جمله علی همت مومیوند، منوچهر والی‌زاده، جواد پزشکیان، محمود قنبری، ناصر ممدوح، فریدون اسماعیلی، زهره شکوفنده، ناهید امیریان و... حضور داشتند. طبق گزارش مهر، این مراسم بدون هیچ سخنرانی برگزار و در طول برگزاری آیین تشییع، صدای زنده یاد منوچهر اسماعیلی با دکلمه برخی اشعار پخش شد.**